

راهبردهای آمریکا در راستای هوشمندسازی تحریم‌ها علیه ایران و ارائه راهکارهای مقابله؛ با تأکید بر روابط مالی و بانکی بین‌المللی

مهدی رزم‌آهنگ*

چکیده

تحریم‌های اقتصادی آمریکا به‌مثابه سلاحی نامتعارف در جنگ اقتصادی، امنیت اقتصادی ایران را نشانه رفته است. آمریکا علاوه بر وضع تحریم علیه حوزه‌های مختلف اقتصاد ایران، همواره درصد هوشمندسازی و افزایش کارآمدی این تحریم‌ها بوده است.

پژوهش حاضر درصدد پاسخ به دو پرسش اساسی است: ۱- راهبردهای آمریکا برای هوشمندسازی تحریم‌ها علیه ایران چیست؟ ۲- مواجهه نامتقارن ایران با هدف کاهش کارآمدی تحریم‌های آمریکا شامل چه راهکارهایی است؟ نوآوری پژوهش حاضر در این است که موضوع هوشمندسازی و کارآمدسازی تحریم‌ها علیه ایران تاکنون در پژوهش‌های داخلی بررسی نشده است. روش پژوهش، تحلیلی بوده و جمع‌آوری اطلاعات با مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

نتایج پژوهش نشان داده است که راهبردهای آمریکا برای کارآمدسازی تحریم‌ها عبارت‌اند از: تمرکز بر تحریم اشخاص و نهادها و درج نام آن‌ها در لیست تحریم؛ تمرکز گسترده بر شناخت ذی‌نفع نهایی و توصیه به شرکت‌ها برای اعمال حداکثر سختگیری؛ حرکت آمریکا در جهت درهم‌تنیده کردن تحریم‌های هسته‌ای و تروریستی؛ استفاده از ظرفیت اندیشکده‌ها برای شناسایی نقاط آسیب‌پذیر و سرانجام استفاده مقامات آمریکا از گفت‌وگوهای چهره‌به‌چهره برای متقاعد کردن کشورها و شرکت‌های بزرگ نسبت به عدم تعامل با ایران. در مقابل اگرچه ایران توانایی مواجهه متقارن با این ابزارها را ندارد، اتخاذ راهبردهایی برای مقاومت و متنوع‌سازی ابزارهای نقل‌وانتقال وجوه می‌تواند تا حد زیادی، کارآمدی تحریم‌های آمریکا را کاهش دهد و برای این مقصود می‌توان در سه حوزه زیر پیشنهادهایی را ارائه کرد: ۱-

پیام‌رسان مالی بین‌المللی؛ ۲- بستر بانکداری بین‌کشوری؛ ۳- روابط کارگزاری.

واژه‌های کلیدی: تحریم، آمریکا، اشخاص، بانک، پیام‌رسان مالی

مقدمه

در جعبه ابزار سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا «تحریم‌های اقتصادی» از مهم‌ترین ابزارهای فشار برای همراهی سایر کشورها و گروه‌های به‌اصطلاح بدرفتار است. تأکید بر این ابزار در میان رؤسای جمهور آمریکا به حدی است که بسیاری از اندیشمندان در جهان، از تحریم‌های آمریکا به‌عنوان «سلاح اقتصادی» این کشور یاد کرده‌اند. جهان‌روایی دلار، درهم‌تنیدگی نظام مالی جهانی با محوریت نظام مالی آمریکا، وابستگی تکنولوژیکی بسیاری از شرکت‌های بزرگ غیرآمریکایی به شرکت‌های آمریکایی و... از دلایل اصلی توانمندی ایالات متحده در استفاده از ابزار تحریم علیه کشورهای به‌اصطلاح متخاصم است.

ایران از ابتدای انقلاب اسلامی، در معرض تحریم‌های آمریکا قرار گرفته، اما در دو بازه زمانی مشخص، این تحریم‌ها وارد فاز تازه‌ای شده است؛ به‌طوری‌که می‌توان گفت مقیاس و عمق تحریم‌ها در این دو بازه زمانی به‌هیچ‌وجه با قبل از آن قابل مقایسه نیست؛ نخست سال‌های ۸۹ تا ۹۲ و دوم از سال ۹۷ به بعد.

در بازه زمانی نخست، زیربنای حقوقی تحریم از طریق قوانین کنگره و فرمان‌های اجرایی ریاست جمهوری پایه‌ریزی و در بازه زمانی دوم، همان تحریم‌ها مجدداً اجرایی شد. فرضیه پژوهش حاضر این است که ایالات متحده آمریکا و به‌طور خاص وزارت خزانه‌داری این کشور، علاوه بر وضع تحریم‌ها، برای هوشمندسازی و افزایش کارآمدی آن‌ها تلاش گسترده‌ای را به کار بسته است.^(۱)

این پژوهش درصدد پاسخ به دو پرسش اصلی ذیل است:

۱- راهبردهای آمریکا برای هوشمندسازی و کارآمد ساختن تحریم‌ها علیه ایران چیست؟

۲- مواجهه نامتقارن ایران با هدف کاهش کارآمدی تحریم‌های آمریکا شامل چه راهکارهایی است؟

نوآوری و تمایز پژوهش حاضر در این است که تاکنون در هیچ‌یک از پژوهش‌های داخلی موضوع هوشمندسازی و کارآمد کردن تحریم‌های آمریکا به‌طور خاص بررسی نشده است. روش این پژوهش تحلیلی بوده و جمع‌آوری اطلاعات از طریق مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

۱. پیشینه پژوهش

مرور ادبیات پژوهشی حوزه تحریم نشان می‌دهد که موضوع «بررسی میزان تأثیر تحریم بر متغیرهای سیاسی و اقتصادی کشور هدف» بیشتر مطمح نظر پژوهشگران این حوزه قرار گرفته است.

«گرساسی و دیندارلو» (۱۳۹۵) اثر تحریم‌ها بر متغیرهای مهم کلان اقتصادی نظیر رشد اقتصادی، تجارت، سرمایه‌گذاری و اشتغال را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که آثار مستقیم تحریم‌ها تنها در خصوص رشد اقتصادی و رابطه مبادله معنادار است و ارتباط مستقیمی میان شدت تحریم‌ها و آثار آن بر متغیرهای اقتصادی وجود دارد.

«کازرونی و همکاران» (۱۳۹۴) تأثیر تحریم اقتصادی بر حجم تجارت ایران را با ۷۳ شریک اصلی تجاری بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا، بر تجارت ایران تأثیر معنی‌داری نداشته، اما تحریم‌های چندجانبه، اثر معنی‌دار و منفی بر تجارت خارجی ایران گذاشته است. این پژوهش در بحث مقابله با تحریم نشان می‌دهد که ایران توانسته است از طریق گسترش تجارت با کشورهای ثالث، اثر تحریم‌های آمریکا را تا حدی کاهش دهد. آنچه بیشتر مدنظر این پژوهش است، بررسی راهبردهای کارآمدسازی تحریم و از طرف دیگر، طراحی راهکارهایی برای شکست ابزار تحریم است.

«دراکا^۱ و همکاران» به این پرسش پاسخ داده‌اند که «آیا تحریم شرکت‌های مرتبط با رهبران یک کشور (به‌عنوان یکی از راهبردهای افزایش اثربخشی تحریم) می‌تواند موجب تغییر در محاسبات شود و آن‌ها را به مذاکره و توافق راغب کند». نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سود سهام شرکت‌های تحریم‌شده مرتبط با رهبران ایران به اخبار خوب درباره مذاکره و رفع تحریم به شدت واکنش نشان می‌دهد؛ بنابراین به نظر می‌رسد که این موضوع می‌تواند برای انتخاب گزینه آغاز روند مذاکره، انگیزه خوبی برای رهبران ایران ایجاد کند (Draca & et al, 2019, pp1-4).

«آهن و لیدما» (۲۰۱۹)، وضع تحریم از سوی آمریکا و اروپا علیه شرکت‌های روسی را یکی از راهبردهای مرتبط با هوشمندسازی تحریم دانسته و به این سؤال پاسخ داده‌اند که «آیا شرکت‌های روسی تحت تحریم، از تحریم‌های هوشمند آمریکا و اروپا صدمه دیده‌اند یا خیر؟» نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که کاهش قابل توجه درآمدهای عملیاتی، ارزش دارایی‌ها و کارمندان شرکت‌های تحت تحریم در نسبت با شرکت‌های غیرتحریمی بسیار قابل توجه است (آهن و لیدما، ۲۰۱۹، ص ۳۳).

«آنجلین»، در پژوهش خود نشان داده که حرکت ایالات متحده آمریکا به سمت تحریم‌های هوشمند و اجرای آن‌ها نیازمند ابزارهای هوشمند است. وی به این نتیجه رسیده است که مهم‌ترین ابزارهای قابل استفاده برای اجرای این امر عبارت‌اند از: داده‌های سوئیفت، ظرفیت «فینسین»^(۲) و داده‌های بانک‌ها در نقل و انتقال وجوه (Anglin, 2015, PP 13-15).

در موضوع طراحی راهکارهای مقابله با تحریم پژوهش‌هایی نیز در داخل کشور انجام شده است؛ از جمله:

«ملایی و همکاران» (۱۳۹۶) در پژوهش جامعی، به ضرورت انعقاد پیمان‌های پولی دو و چندجانبه پرداخته و نشان داده‌اند که بسیاری از کشورهای جهان، به سمت انعقاد و اجرای چنین پیمان‌هایی رفته‌اند. به باور این پژوهشگران اجرای پیمان‌های پولی، ویژه شرایط تحریم نیست و تأثیرات زیادی بر جایگاه پول ملی،

کاهش ریسک ناشی از نوسانات ارزی، توسعه تجارت دوجانبه و مانند آن دارد. «قوامی» (۱۳۹۵) نشان داده است که کشورها برای جلوگیری از مشکلات پولی در مسیر تجارت خارجی راهکارهای مختلفی تدارک دیده اند. یکی از این راهکارها پیمان دو یا چندجانبه ارزی است که اجرای این سیاست در شرایط نوسان شدید ارزی می‌تواند موجب مصونیت تجارت بین کشورها شود. در شرایط تهدید و تحریم، ایجاد این پیمان‌ها از سیاست‌های ضروری برای تداوم تجارت خارجی است.

بنابراین بررسی پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که موضوع راهبردهای آمریکا در جهت کارآمدسازی و هوشمندسازی تحریم‌ها علیه ایران تاکنون، به‌طور خاص در دستور کار پژوهشگران داخلی قرار نگرفته است و بر همین اساس می‌توان گفت که پژوهش حاضر، در این موضوع پیشگام و دارای نوآوری است.

۲. راهبردهای آمریکا برای هوشمندسازی تحریم‌ها علیه ایران

مهم‌ترین راهبردهای آمریکا در جهت هوشمندسازی تحریم‌ها و افزایش کارایی آن‌ها عبارت‌اند از:

۲-۱. تعیین «اشخاص حقیقی و حقوقی» به‌عنوان نقطه تمرکز تحریم و درج آن‌ها در «لیست تحریم»^۱

هم‌زمان با خروج آمریکا از برجام در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷، دو موعده سه و شش ماهه برای بازگشت تحریم‌ها علیه ایران تعیین و در بیانیه وزارت خزانه‌داری این کشور، بخش‌های اقتصادی مشمول تحریم در ایران در این دو بازه زمانی معرفی شد؛ اما در ۱۴ آبان ۱۳۹۷، یعنی پس از پایان شش ماه، فهرستی طولانی از نام اشخاص و نهادهای ایرانی به لیست تحریم‌های آمریکا اضافه گردید؛ اقدامی که می‌توان آن را حرکت هر چه بیشتر به سمت تحریم هوشمند دانست تا اثربخشی «تحریم‌های بخشی» (بخش‌های نفت، بانکی، پتروشیمی، کشتی‌رانی و ...) را دوچندان کند.

1. Specially Designated Nationals And Blocked Persons List

تحریم بیش از ۷۰۰ شخص، نهاد، کشتی و هواپیما در دور جدید تحریم‌ها نشان می‌دهد که دستگاه حاکمه آمریکا تمرکز خود را بر تحریم‌های هوشمند گذاشته است؛ تحریم‌هایی که اصابت حداکثری به هدف داشته، بیشترین فشار را به حاکمیت وارد کند. در ادامه مقایسه‌ای بین تحریم‌های بخشی و تحریم هوشمند انجام شده است. کاستی‌های «تحریم بخشی»^(۳) عبارت‌اند از:

الف- تحمیل هزینه زیاد به‌ویژه بر شرکا و هم‌پیمانان؛

ب- فقدان کارآمدی؛

ج- ایجاد امکان دور زدن (برای مثال استفاده از کشور ثالث و شرکت‌های پوششی برای تأمین کالاها و خدمات مورد نیاز، استفاده از فلزات گران‌بها برای تسویه مالی تجارت به جای تراکنش بانکی، بیش فاکتور نویسی و تأمین ارز از کانال معاملات تهاتری و ...)

د- از بین رفتن امکان رصد هوشمند؛

ه- از بین رفتن امکان مقصر دانستن بخشی از حاکمیت.

در مقابل، مزیت‌های «تحریم هوشمند» عبارت‌اند از:

الف- امکان رصد هوشمند؛

ب- انتخاب محدوده فشار نظیر سوق دادن کل مراودات مالی و بانکی به

امارات در دور پیشین تحریم‌ها؛

ج- انتخاب حد فشار بر طیف خاص نظیر رهبران یک کشور با هدف تغییر

محاسبات آن‌ها (Draca & et al, 2019, p3)؛

د- سخت‌گیری و سهل‌گیری درباره با مجاری دور زدن تحریم به‌منظور

شناسایی دقیق عوامل دست اندرکار؛ ه- مقصر جلوه دادن گروه یا سازمان خاص

در شرایط بد اقتصادی؛

و- داخلی‌سازی تحریم و سیاه‌وسفید کردن اقتصاد.

توجه به این نکته ضروری است که درج ۷۰۰ شخص، نهاد، کشتی و هواپیما

در لیست تحریم، با حداقل خطا و همچنین با شناسایی ربط و نسبت نهادها با

یکدیگر، نشان‌دهنده حجم عظیمی از کار تیمی، دقت، مطالعه و بررسی‌های

اطلاعاتی است. این رویداد نشان می‌دهد که دستگاه حاکمه آمریکا، با تجمیع تیم کارشناسی و کادرسازی، تحریم اشخاص و نهادهای ایرانی را نقطه تمرکز اقدامات تحریمی خود قرار داده است.

۱-۱-۲. زیربنای حقوقی تحریم اشخاص و نهادهای مرتبط با ایران

بررسی رویداد ۱۴ آبان ۱۳۹۷ و درج ۷۰۰ شخص، نهاد، کشتی و هواپیما در لیست تحریم نشان می‌دهد که زیرساخت‌های حقوقی تحریم این اشخاص و نهادها با یکدیگر متفاوت است و در نتیجه تبعات حقوقی و اقتصادی متفاوتی بر هر یک بار می‌شود. برای شناخت این تبعات حقوقی و اقتصادی، ضروری است زیرساخت حقوقی تحریم اشخاص و نهادهای ایرانی معرفی شود.

۱-۱-۱-۲. فرمان اجرایی ۱۲۹۳۸

کلینتون فرمان اجرایی (۱۲۹۳۸) را در سال ۱۹۹۴ با استناد به «قانون اختیارات اضطرار بین‌المللی»^۱، «قانون اضطرار ملی»^۲ ایالات متحده آمریکا و ... با هدف مقابله با اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی صادر کرد. اشخاص و نهادهایی که با استناد به این فرمان اجرایی وارد لیست تحریم می‌شوند، برچسب [NPWMD] جلوی اسم آن‌ها درج می‌شود. این فرمان اجرایی یک‌بار در سال ۱۹۹۸ در فرمان اجرایی «۱۳۰۹۴» و یک‌بار در سال ۲۰۰۵ در فرمان اجرایی «۱۳۳۸۲» اصلاح شده است. به‌موجب آخرین اصلاحیه، اشخاص و نهادهای خاطی ذیل این عنوان، مشمول مجازات مسدودسازی می‌شوند.^(۴)

۱-۱-۲. فرمان اجرایی ۱۳۲۲۴

جرج بوش در سال ۲۰۰۱ متعاقب حمله به برج‌های دوقلو در آمریکا فرمان اجرایی «۱۳۲۲۴» را صادر و هدف آن را مقابله با تروریسم بیان کرد. این فرمان اجرایی مستند به قانون «اختیارات اضطرار بین‌المللی» است. اشخاص و نهادهایی که با عنوان مقابله با تروریسم در لیست تحریم‌های آمریکا قرار می‌گیرند، عملاً

1. International Emergency Economic Powers Act

2. the National Emergencies Act

ذیل این فرمان اجرایی درج می‌شوند و در لیست «اس‌دی‌ان» (SDN)^۱ آمریکا برچسب [SDGT] بر آن‌ها زده می‌شود. نکته مهم آن است که نهادهای درج‌شده در لیست اس‌دی‌ان، ذیل اتهام مقابله با تروریسم مشمول تحریم‌های ثانویه هستند.^(۵) به این معنا که اشخاص و نهادهایی که با چنین افرادی تعامل داشته باشند، مشمول مجازات‌هایی نظیر جریمه مالی، سوء شهرت، بلوکه شدن دارایی‌ها و ممنوعیت ادامه فعالیت اقتصادی در آمریکا و در نهایت امکان ورود به لیست اس‌دی‌ان خواهند بود.

۲-۱-۳. فرمان اجرایی ۱۳۳۸۲

فرمان اجرایی «۱۳۳۸۲» در سال ۲۰۰۵ پیرو مناقشه هسته‌ای صادر شد و مستند به قانون اختیارات اضطرار بین‌المللی، قانون اضطرار ملی و «قانون سیسادا»^۲ است. گفتمان این فرمان اجرایی، مقابله با اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی و مقابله با تروریسم است. جلوی اسم نهادها و اشخاصی که ذیل این عنوان در لیست تحریم قرار می‌گیرند، برچسب [IFSR] درج می‌شود. این نهادها در لیست اس‌دی‌ان مشمول تحریم‌های ثانویه هستند و اشخاص و نهادهایی که با این افراد تعامل داشته باشند، مشمول جریمه‌های مالی، سوء شهرت، بلوکه شدن دارایی‌ها و ممنوعیت ادامه فعالیت اقتصادی در آمریکا و در نهایت امکان ورود به لیست اس‌دی‌ان خواهند بود.

۲-۱-۴. فرمان اجرایی ۱۳۵۵۳

اوباما فرمان اجرایی «۱۳۵۵۳» را در سال ۲۰۱۰ با هدف تحریم اشخاص و نهادهای مرتبط با نقض حقوق بشر در ایران صادر کرد. این فرمان مستند به قانون اختیارات اضطرار بین‌المللی، قانون اضطرار ملی و سیسادا است. جلوی اسم اشخاص و نهادهایی که با استناد به این فرمان اجرایی وارد لیست تحریم می‌شوند، برچسب [IRAN-HR] درج می‌شود. به موجب این فرمان اجرایی، اشخاص و

1. Specially Designated Nationals

2. Comprehensive Iran Sanctions, Accountability, and Divestment Act of 2010

نهادهای خاطی ذیل این عنوان، مشمول مجازات مسدودسازی شده، حمایت، کمک، اعطای تجهیزات، ارائه خدمات مالی و تکنولوژیکی و ... به تحریم‌شدگان ذیل این عنوان نیز مجازاتی مشابه خواهد داشت.

۵-۱-۱-۲. فرمان اجرایی ۱۳۵۹۹

فرمان اجرایی «۱۳۵۹۹» در سال ۲۰۱۲ پیرو معرفی ایران به حوزه قضایی با سطح بالای پول‌شویی صادر شد. در این فرمان اجرایی تعداد زیادی از نهادها و اشخاص ذیل «دولت ایران» و «نهادهای مالی ایرانی» تحریم شده‌اند. پس از برجام، نام این نهادها و اشخاص از لیست تحریم‌های ثانویه خارج شد؛ اما با خروج آمریکا از برجام، مجدداً در لیست اس‌دی‌ان وارد گردید. این فرمان مستند به قانون اختیارات اضطرار بین‌المللی، قانون اضطرار ملی و «قانون اختیارات دفاع ملی»^۱ بوده، گفتمان آن مبارزه با پول‌شویی است. جلوی اسم نهادها و اشخاصی که با این عنوان در لیست تحریم قرار می‌گیرند، برچسب [IRAN] درج می‌شود.

جریمه همکاری با نهادهای درج‌شده ذیل فرمان اجرایی ۱۳۵۹۹ به این صورت است که اگر نهاد تحریم‌شده که برچسب [IRAN] را دریافت کرده «بانک» (از جنس نهاد مالی) باشد، فقط مشمول «تحریم اولیه»^(۶) است و می‌تواند در حوزه تجارت کالاهای بشردوستانه فعالیت کند؛ ولی اگر آن نهاد «غیرمالی» باشد، مشمول تحریم‌های اولیه و ثانویه خواهد بود.

۶-۱-۱-۲. فرمان اجرایی ۱۳۸۴۶

در ۱۴ مرداد ۱۳۹۷ ترامپ فرمان اجرایی «۱۳۸۴۶» را صادر کرد که در حقیقت سند حقوقی بازگشت تمام تحریم‌های ایران است. در «بند ۷» این فرمان با استناد به قانون «کاهش تهدید ایران»^(۷) مصوب ۲۰۱۲، مقرر شده است، اشخاص و نهادهای ایرانی مرتکب نقض حقوق بشر، مشمول تحریم مسدودسازی شوند. مصادیق نقض حقوق بشر در این بند از فرمان اجرایی عبارت‌اند از: انحراف در استفاده از کالاهای بشردوستانه صادرشده برای مردم ایران، استفاده از تجهیزات

فناوری در جهت نقض حقوق بشر، سانسور اطلاعات، نبود پوشش خبری درست اطلاعات و اخبار و ایجاد اختلال فرکانسی برای شبکه‌های خارجی. برای نهادها و اشخاصی که تحت این عناوین در لیست تحریم درج می‌شود، برچسب [IRAN-TRA] در نظر گرفته می‌شود.

۲-۱-۲. اثربخشی تحریم‌های هوشمند به واسطه تغییر در محاسبات هزینه- فایده

شرکت‌ها و نهادها

مرور اسناد تحریمی ایالات متحده آمریکا نشان می‌دهد که نقطه تمرکز و فشار تحریم‌ها بر اشخاص حقیقی و حقوقی قرار داده شده است؛ نه دولت‌ها. بر این اساس این کشور شرکت‌ها و اشخاص (حقیقی، حقوقی و دولتی) را در صورت تعامل با ایران مجازات می‌کند. مهم‌ترین نتیجه این رویکرد، کارآمدی و اثربخشی است؛ این اثربخشی ناشی از چند گزاره اساسی است:

۱. شرکت‌ها با توجه به رویکرد تجاری و به تبع ملاحظات ریسک‌گریزی خود، با مقررات تحریمی آمریکا همراهی خواهند کرد.

۲- وضع مقررات تحریمی علیه دولت‌ها باعث بروز اختلافات سیاسی می‌شود و تحریم اشخاص حقیقی و حقوقی از این اختلافات جلوگیری می‌کند. در حقیقت تحریم‌های آمریکا، یک تحلیل هزینه- فایده پیش روی اشخاص حقیقی و حقوقی قرار می‌دهد؛ اینکه تعامل با ایران چه مزایایی برای آن‌ها خواهد داشت و از دست دادن بازار آمریکا چه هزینه‌هایی برای آن‌ها ایجاد خواهد کرد. پاسخ این پرسش برای بسیاری از شرکت‌های خصوصی (به‌ویژه شرکت‌های اروپایی) بدیهی است (Adesnik & Ghasseminejad, 2018, PP 1-10).

۳- در انتخاب نقطه تمرکز فشار (فشار تحریمی بر دولت‌ها یا شرکت‌ها) یک نکته ظریف وجود دارد. دولت‌ها می‌توانند با ابزارهای خود، شرکت‌ها را نسبت به تعامل با کشوری یا فعالیت در حوزه خاصی منع کنند؛ اما نمی‌توانند آن‌ها را برای انجام چنین کارهایی مجبور کنند. این نکته نشان می‌دهد که محدوده فشار به‌درستی انتخاب شده است و به دلیل همین «مقرره مسدودسازی»^۱ اروپا نتوانسته

تاکنون دستاورد مشخصی داشته باشد و شرکت‌های اروپایی را به ادامه تعامل با ایران متقاعد کند (جعفرزاده و عطار، ۱۳۹۷، ص ۷).

۲-۲. تمرکز گسترده بر شناخت ذی‌نفع نهایی و توصیه به شرکت‌های متعامل با ایران به حداکثر سخت‌گیری در این موضوع

در سال‌های گذشته با تقویت نظام مالی رصدپذیر در سطح جهان از یک‌طرف و گسترش روش‌های پنهان‌کاری مرتبط با تجارت‌های غیرمجاز از طرف دیگر، مقوله پول‌شویی و تلاش برای شناخت ذی‌نفع نهایی معامله بسیار پررنگ شده است. برای اقتصاد ایران که به واسطه تحریم‌ها، کانال‌های استاندارد مرادوات بین‌المللی بسته شده است، استفاده از روش‌های غیرمرسوم (غیرمجاز در عرف بین‌الملل) اهمیت پیدا کرده است. این کانال‌ها با هدف تأمین کالاهای مورد نیاز و بعضاً حساس، تسویه مالی معاملات مرتبط با تجارت خارجی، تأمین ارز اسکناسی برای مدیریت بازار ارز داخلی و ... استفاده می‌شوند.

دولت آمریکا با علم به تلاش ایران برای استفاده حداکثری از این کانال‌ها، تمرکز ویژه‌ای بر شناخت ذی‌نفع نهایی کرده است. وزارت خزانه‌داری آمریکا در دستورالعمل‌های خود، شرکت‌ها و نهادهای مالی را ملزم به اجرای «ارزیابی بایسته تشدید شده»^۱ در تعامل با اشخاص و نهادهای ایرانی کرده است^(۸)؛ به این معنا شرکت‌ها و بانک‌های خارجی در معامله با یک ایرانی باید یقین کنند که ذی‌نفع نهایی آن معامله چه کسی است و مبادا با شخص یا نهادی پوششی طرف باشند (وزارت خزانه‌داری آمریکا، ۲۰۱۸، صص ۲-۵)؛ اما در عمل، دستیابی به چنین یقینی بسیار دشوار است و با توجه به سطح مجازات‌های «اوفک»^(۹) علیه نهادهای خاطی، تحلیل هزینه-فایده، این شرکت‌های خارجی را مجاب می‌کند که از چنین معامله‌ای چشم‌پوشی کنند.

۲-۳. حرکت آمریکا در جهت درهم‌تنیده کردن تحریم‌های هسته‌ای و

تروریستی

تلاش برای تغییر گفتمان تحریم‌های ایران و اینکه تحریم‌ها از ذیل گفتمان هسته‌ای خارج و ذیل تحریم‌های مرتبط با حمایت از تروریسم جانمایی شود، از راهبردهای دستگاه حاکمه ایالات متحده آمریکا است؛ اقدامی که عملاً رفع تحریم‌ها را بسیار دشوار خواهد کرد و رؤسای جمهور بعدی آمریکا حتی در صورت داشتن اراده جدی برای رفع تحریم‌ها، با دشواری حقوقی و هزینه سیاسی قابل توجهی مواجه خواهند بود. این اقدام همچنین، ریسک تعامل با اشخاص و نهادهای ایرانی را به شدت افزایش می‌دهد.

اندیشکده‌های نزدیک به حکومت آمریکا در یادداشت‌های تحلیلی خود همواره این راهبرد را پیشنهاد کرده‌اند؛ برای مثال در گزارش «بنیاد دفاع از دموکراسی»^۱ با عنوان «پاسخ مثبت به ایران به چه شکل است؟» توصیه مهم «ممزوج کردن تحریم‌های هسته‌ای و غیرهسته‌ای و قاعده‌گذاری در جهت تفکیک‌ناپذیری تحریم‌های مرتبط با ایران» مطرح شده است: «ترامپ باید کاری کند که تمام امید یک دولت دموکرات برای احیای برجام از بین برود. وی باید دیواری از تحریم‌های اضافه با موضوعات مختلف را بنا و کاری کند که هیچ رئیس‌جمهوری بعد از او نتواند آن دیوار را به‌آسانی فرو ببرد. چنین اقداماتی نه فقط به بهانه فعالیت هسته‌ای ایران، بلکه باید بر پایه سایر فعالیت‌های این کشور، از جمله حمایت از تروریسم، برنامه موشکی و موضوعات مرتبط با نقض حقوق بشر در ایران باشد. بنای چنین دیواری از تحریم‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که ترس و تردید مؤسسات مالی و شرکت‌های خارجی برای بازگشت به ایران، به شدت زیاد شود و حتی اگر توافقی محدود (مرتبط با موضوع هسته‌ای) در دولت بعدی آمریکا با ایران بسته شد، باز هم آن‌ها به بازار ایران بازنگردند» (Dubowitz, 2019, p 4).

اخیراً نشانه‌های چنین راهبردی در تحرکات آمریکا نیز مشاهده شده است.

1. The Foundation for Defense of Democracies

تصویب «قانون کاتسا»^۱، تحریم مجموعه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و درج نام این نهاد در لیست سازمان‌های تروریستی و سرانجام تحریم بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و صندوق توسعه ملی به بهانه حمایت از تروریسم در تاریخ ۲۹ مرداد ۱۳۹۸، مصادیقی از راهبرد ممزوج سازی تحریم‌های هسته‌ای و تروریستی است.^(۱۰) در واقع دولت آمریکا درصدد است بخش‌های اقتصادی ایران را که پیشتر ذیل گفتمان هسته‌ای تحریم شده‌اند، به واسطه ارتباط با سپاه پاسداران، ذیل گفتمان حمایت از تروریسم، وارد لیست تحریم کند. این اقدامات دو نتیجه مهم خواهد داشت:

الف- افزایش ریسک تعامل با بخش‌های اقتصادی تحریم شده؛

ب- تداوم و ماندگاری تحریم (Cullis, 2019, pp 1-2).

۲-۴. استفاده از ظرفیت اندیشکده‌ها به منظور شناسایی نقاط آسیب‌پذیر ایران
ارتباط مداوم با اندیشکده‌ها و مراکز پژوهشی آمریکایی و غیرآمریکایی همواره در دستور کار مقامات آمریکا در حوزه تحریم است. برخی از این اندیشکده‌ها عبارت‌اند از: «بنیاد هریتیج»^۲، «بنیاد دفاع از دموکراسی»، «شورای آتلانتیک»^۳، «بروکینگز»^۴، «ایران وایر»^۵، «ایران واچ»^۶، «مرکز مطالعات واشنگتن در امور خاور نزدیک»^۷، «اندیشکده رند»^۸، «کارگروه بحران»^۹، «مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی»^{۱۰} و «شورای روابط خارجی»^{۱۱}. بارها مشاهده شده است که کارشناسان

-
1. Countering America's Adversaries Through Sanctions Act
 2. The Heritage Foundation
 3. Atlantic council
 4. Brookings institute
 5. Iran Wire
 6. Iran watch
 7. The Washington Institute for Near East Policy
 8. The RAND Corporation
 9. Crisis group
 10. Center for Strategic and International Studies
 11. council of foreign relation

اصلی این نهادهای پژوهشی و سیاسی، با حضور در جلسات استماع کنگره و سنا، نظرات خود را اظهار کرده و تأثیر قابل توجهی بر روند قانون گذاری داشته اند.

۲-۵. فشار بر اشخاص حقیقی و حقوقی با تأکید بر گفت‌وگوهای چهره به چهره
فشار ایالات متحده آمریکا به دولت‌ها و شرکت‌ها، صرفاً از طریق قوانین، دستورالعمل‌ها و فرمان‌های اجرایی این کشور نیست؛ هم در دور پیشین تحریم هم در دوره فعلی، به کرات مشاهده شده است که مقامات ایالات متحده، با سفر در قالب هیئت‌های کارشناسی و سیاسی به کشورهای اروپایی، آسیایی و حوزه خاورمیانه، با رؤسای آن کشورها درباره مخاطرات ادامه رابطه با ایران صحبت کرده‌اند؛ حتی در مواردی این هیئت‌های سیاسی نه تنها با مقامات دولتی کشورها، بلکه با مدیران شرکت‌های خصوصی بزرگ به گفت‌وگو نشسته و آن‌ها را از تداوم معامله با ایران بر حذر داشته‌اند (Zarate, 2013, pp 165-175).

۳. خروج از محدوده تحریم‌پذیری از طریق مقاوم‌سازی و متنوع‌سازی ابزارهای نقل و انتقال وجوه

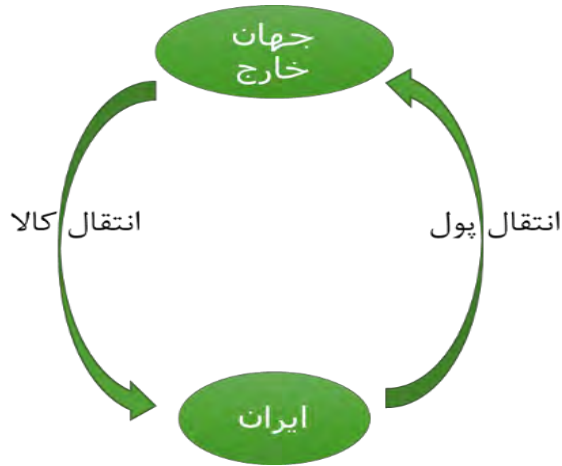
بر طبق مطالب پیش گفته، جعبه‌ابزار تحریم‌های ایالات متحده آمریکا در طول سالیان متمادی تکمیل شده و در حال حاضر دستور اصلی مقامات این کشور کارآمدسازی این ابزارها است. در این شرایط و در مقابل این سیاست‌های تهاجمی آمریکا در عرصه اقتصادی یا «جنگ اقتصادی» ایران باید چگونه راهبردی را به کار ببندد؟ آیا جمهوری اسلامی امکان مقابله به مثل دارد یا باید مواجهه غیرمستقیم را در دستور کار خود قرار دهد؟ بدیهی است که بر پایه داده‌ها و آمارهای اقتصادی، ایران قادر به مواجهه مستقیم با آمریکا نیست و باید راهبرد دوم را اتخاذ کند. پژوهش حاضر مدعی است که مواجهه غیرمستقیم ایران عبارت است از: «سیاست گذاری در جهت خروج از محدوده تحریم‌پذیری».

در مسئله خروج از محدوده تحریم‌پذیری، یکی از حوزه‌هایی که نیازمند اقدام فوری است و سیاست گذاری در آن می‌تواند تحریم‌ها را تا حد زیادی بی‌اثر کند، بخش مالیه بین‌المللی و به طور مشخص نقل و انتقال وجوه است. باید گفت در

حال حاضر، یکی از مهم‌ترین شکنندگی‌های اقتصاد ایران و بالطبع مجرای اثرگذاری تحریم، حوزه نقل و انتقال وجوه در حوزه تجارت خارجی است؛ به عبارت دیگر در بعد بین‌المللی، عدم تنوع روش‌های نقل و انتقال وجوه و وابستگی به ابزارهای قابل رصد (به‌طور خاص سوئیفت) در اجرای تراکنش‌های بین‌المللی، زمینه را برای اعمال تحریم از طرف کشور تحریم‌کننده فراهم کرده است (علیزاده قره‌باغ، ۱۳۹۳، ص ۲۷). استفاده صرف از ابزارهای رایج و جهانی شده در اجرای تراکنش‌های بین‌المللی برای کشوری نظیر ایران که در طول ۴۰ سال بعد از انقلاب، همواره تحت تحریم بوده است، به‌هیچ‌وجه منطقی نیست.

نکته دیگر آنکه تحریم‌های مالی و بانکی، عامل اثربخشی تحریم‌های دیگر است و سیاست‌گذاری برای خروج از محدوده تحریم‌پذیری در حوزه مالی می‌تواند کارآمدی سایر تحریم‌ها را هم دچار چالش کند. در تأیید گزاره فوق باید به اهمیت تحریم‌های مالی و بانکی (به‌ویژه جلوگیری از نقل و انتقال وجوه مرتبط با نهادهای مالی ایرانی) در نسبت با سایر تحریم‌های بخشی (تحریم صادرات نفت، کشتیرانی، بیمه و ...) اشاره کرد؛ به بیان روشن‌تر این سؤال مطرح است که «آیا مشکلات تحریم‌های بانکی برای اقتصاد ایران به‌اندازه سایر تحریم‌ها بوده است؟» پاسخ منفی است؛ چون تحریم‌های بانکی از این جهت که ضمانت اجرای دیگر تحریم‌های بخشی هستند، اهمیت و مسائل بسیار بیشتری نسبت به دیگر تحریم‌ها دارند. توضیح این گزاره نیز ساده است. هر معامله بین‌المللی مستلزم انتقال پول است؛ بنابراین انتقال وجوه، شرط اجرای هر معامله بین‌المللی است و چنانچه انتقال وجوه به دلیل تحریم‌های بانکی دچار مشکل شود، تجارت بین‌المللی حتی در حوزه‌های غیرتحریمی هم مختل خواهد شد؛ پس می‌توان ادعا کرد که «روابط مالی و بانکی بین‌المللی حلقه اصلی زنجیره تجارت خارجی است».

نمودار ۱. تناظر و اهمیت روابط پولی (نقل و انتقال وجوه) در مقابل تجارت کالا و خدمات



بر اساس توضیحات فوق، می‌توان مدعی شد که مقاوم‌سازی و متنوع‌سازی ابزارهای نقل و انتقال وجوه در عرصه بین‌المللی، مهم‌ترین راهبرد برای مقابله غیرمستقیم با تحریم‌های آمریکا است و اجرای صحیح این راهبرد می‌تواند هوشمندی و کارآمدی تحریم‌های آمریکا (مالی و غیرمالی) را با چالش جدی مواجه کند. در ادامه ابتدا درباره سه گلوگاه محوری اعمال تحریم‌های بانکی اعم از ۱- پیام‌رسان مالی بین‌المللی؛ ۲- بستر بانکداری بین‌کشوری؛ ۳- روابط کارگزاری توضیحاتی ارائه و پس از آن راهکارهای مقابله با چالش‌های هر یک بیان می‌شود.

۱-۳. پیام‌رسانی مالی بین‌المللی

یکی از مهم‌ترین فرصت‌ها، طراحی یا استفاده از «سامانه‌های پیام‌رسان مالی موازی سوئیفت» است که دو ثمره مهم خواهد داشت: ۱- رصدپذیری مبادلات مالی ایران توسط وزارت خزانهداری آمریکا را رفع می‌کند؛ ۲- پایداری فرایند نقل و انتقال وجوه بین‌المللی را در مقابل شوک‌های تحریمی آمریکا افزایش خواهد داد.^(۱)

گفتنی است متعاقب حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر، «برنامه رهگیری تأمین مالی تروریسم»^۱ طراحی و بر اساس آن مقرر شد جریان وجوه مرتبط با تروریسم

1. Terrorist Finance Tracking Program

شناسایی شود و «سوئیفت»^(۱۲) مهم‌ترین و کارآمدترین مجرای دریافت اطلاعات مرتبط با نقل و انتقال وجوه بود.^(۱۳) در این میان دسترسی بی‌حد و حصر مقامات آمریکایی به اطلاعات مالی و بانکی و در مواردی سوءاستفاده از آن‌ها اعتراض شرکت سوئیفت را به دنبال داشت. سرانجام بعد از کشمکش‌های فراوان، سازوکاری طراحی شد که دسترسی وزارت خزانه‌داری آمریکا به اطلاعات مالی اشخاص اروپایی محدود شود؛ اما این محدودیت در مورد اشخاص غیراروپایی اعمال نشد؛^(۱۴) بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مقامات وزارت خزانه‌داری آمریکا دسترسی کاملی به اطلاعات مرتبط با نقل و انتقال وجوه مرتبط با ایران در سامانه سوئیفت دارند.

نظام بانکی کشور تاکنون در حوزه پیام‌رسانی مالی، عمدتاً از پیام‌رسان سوئیفت استفاده کرده که تمرکز صرف بر آن، مانع ایجاد پیام‌رسان‌های متکثر در حوزه بانکداری بین‌المللی شده است. راهکار حل مشکل سوئیفت، «تنوع‌گرایی» است و شبکه بانکی کشور می‌تواند برای حل مشکل پیام‌رسانی از روش‌های ذیل بهره‌مند شود.

۳-۱-۱. استفاده از پیام‌رسان‌های متمرکز

یکی از روش‌های مهم در راستای متنوع‌سازی روش‌های نقل و انتقال وجوه، استفاده از پیام‌رسان‌های متمرکز است. البته توصیه این پژوهش کنار گذاشتن و عدم استفاده از سامانه سوئیفت نیست؛ بلکه توصیه اصلی ایجاد تنوع و تکثر در ابزارهای مرتبط با نقل و انتقال وجوه است.

۳-۱-۱-۱. به‌کارگیری «سپام» در تراکنش‌های داخلی و بین‌المللی

برای کاهش اشراف نهادهای امنیتی دیگر کشورها بر سیستم بانکداری داخلی کشور، در گام نخست بهتر است پیام‌رسانی بین دو بانک داخلی بر بستر سوئیفت متوقف شود. در حال حاضر، سامانه‌های سپام و سوئیفت به‌طور موازی با یکدیگر برای بانک‌های ایرانی قابل استفاده است. سامانه سپام دارای دو بخش ریالی و ارزی است. بخش ارزی این سامانه تاکنون به دلایل مختلف اجرایی نشده و لازم

است بانک‌های کشورهایی که بیشترین حجم تجارت را با ایران دارند، برای اتصال به این سامانه در اولویت باشند و در صورت عدم تمایل بانک‌های خارجی به استفاده از این سامانه، راهکارهای دیگری در دستور کار قرار گیرد.

۳-۱-۱-۲. استفاده از پیام‌رسان مالی کشورهای طرف تعامل

سامانه‌های متعددی در جهان در راستای تسهیل پرداخت‌های بین‌المللی به موازات سوئیفت ایجاد شده است. سامانه «سی‌آی‌پی‌اس»^۱ در چین، سامانه پیام‌رسانی مالی ساختاریافته یا «اس‌اف‌ام‌اس»^۲ در هند، سامانه «اس‌پی‌اف‌اس»^۳ یا سیستم انتقال پیام‌های مالی روسیه و در نهایت سامانه «تارگت ۲»^۴ اتحادیه اروپا مثال‌هایی از سامانه‌های پیام‌رسان موازی سوئیفت هستند. این سامانه‌ها در نتیجه تهدید به قطع دسترسی، عملیاتی شدن تهدید یا به دلیل محدودیت‌ها و موانع مرتبط با استفاده از سامانه سوئیفت طراحی و پیاده‌سازی شده‌اند.

۳-۱-۲. استفاده از پیام‌رسان‌های توزیع شده

چنانچه از سامانه متمرکز استفاده شود (از سامانه سپام ایران یا سامانه متمرکز دیگر کشورها)، مشکل دسترسی به داده‌ها و امکان سوءاستفاده وجود خواهد داشت؛ بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که سایر کشورها در استفاده از یک سامانه متمرکز جدید همراهی مناسبی داشته باشند؛ پس معماری بی‌نقص سامانه پیام‌رسان مالی، مهم‌ترین فاکتور در مقبولیت آن در دیگر کشورها است. نوع معماری مورد پذیرش (دارای همه ویژگی‌های مثبت سوئیفت و نداشتن ویژگی‌های منفی) «معماری توزیع شده» است. این نوع معماری شبکه پیام‌رسانی می‌تواند جایگزین مناسبی برای سوئیفت باشد (Morabito, 2017, pp 31-32).

در معماری توزیع شده، هر عضو شبکه تنها داده‌های ارسالی و دریافتی خود را در اختیار دارد. برای بیان تفاوت این نوع معماری در مقابل معماری متمرکز،

1. CIPS
2. SFMS
3. SPFS
4. TARGET 2

باید مزایا و معایب مدل سنتی سازمان‌دهی بررسی شود. در مدل سنتی برای طراحی سامانه‌های اطلاعاتی، یک نهاد مرکزی سازمان‌دهنده یا «شخص ثالث قابل اعتماد»^۱ ایجاد می‌گردد که مدیریت کلیه فرایندها را بر عهده دارد. این مدل سنتی سازمان‌دهی، دارای مزایا و معایبی است. مزایای سیستم سنتی عبارت‌اند از: ۱- هر فردی با اتصال به سیستم می‌تواند با افراد عضو آن به‌سادگی ارتباط برقرار نماید؛ مانند تلفن که با اتصال به شبکه آن، می‌توان با هر فرد دارای تلفن تماس گرفت؛ ۲- ایجاد هماهنگی بین اعضا و استانداردسازی ارتباطات با سهولت بیشتری صورت می‌گیرد.

مشکلات این مدل معماری هم به‌طور خلاصه عبارت‌اند از: ۱- سوءاستفاده از اطلاعات کاربران مانند سوءاستفاده از داده‌های سوئیفت در برنامه رهگیری تأمین مالی تروریسم؛ ۲- اعمال حاکمیت بر روی کاربران (عدم پایاپای کردن تراکنش‌های بانک‌های ایرانی توسط اتاق پایاپای دلار مستقیم) و عدم سرویس‌دهی به آنان در صورت رعایت نکردن شروط تعیین شده. پیوست ۱ به‌صورت شماتیک، الگوی سازمان‌دهی سنتی و توزیع‌شده را نمایش داده است.

مشکل پیش روی نهادهای مالی و بانکی ایران به دلیل تحریم‌های آمریکا دقیقاً مشکل دوم، یعنی سوءاستفاده از قدرت مدیریت و قطع ارائه خدمات به متقاضیان است. برای حل مشکلات ناشی از سوءاستفاده از تمرکز داده‌ها یا تمرکز قدرت، مدل سازمان‌دهی بر اساس فناوری زنجیره بلوک، مرتفع‌کننده مشکل ایران خواهد بود و حوزه مالی و بانکی را تا حد زیادی از محدوده تحریم‌پذیری خارج می‌کند. در این مدل سازمان‌دهی، معایب سیستم سنتی مرتفع شده است؛ به این صورت که شخص ثالث قابل اعتمادی وجود ندارد تا داده‌ها در آن‌ها تمرکز یابد. در نتیجه سوءاستفاده از قدرت در این روش وجود نخواهد داشت.

۲-۳. بستر بانکداری بین‌کشوری

در گلوگاه دوم برای اعمال تحریم‌ها، بسترهای مختلفی قابل استفاده است؛ این راهکارها به شرح زیر قابل ذکر است:

۳-۲-۱. استفاده از اتاق پایاپای خصوصی

بانک مرکزی و شبکه بانکی کشور می‌توانند با همکاری بانک‌هایی که در محدوده تحریم‌پذیری نیستند، یک اتاق پایاپای خصوصی در کشورهای مختلف ایجاد نمایند. این اتاق پایاپای می‌تواند بخشی از انتقال پول بین‌المللی کشور را بر عهده گیرد.

۳-۲-۲. استفاده از روش نهاد ثالث

یک بانک می‌تواند نقش بانک پوششی یا پایاپای را برای تراکنش‌های بین‌المللی ایفا کند. معمولاً بانک‌های بزرگ اروپایی این عملیات را بر عهده دارند و ایجاد چنین بانکی در منطقه، می‌تواند به کاهش اثرات تحریم کمک کند.

۳-۲-۳. استفاده از روش حساب‌های متقابل

«روش حساب‌های متقابل»^۱ بین بانک‌های مرکزی یا پیمان پولی دوجانبه یکی از ابزارهای اصلی برقراری ارتباطات بانکی در شرایط فعلی است.^(۱۵) این ابزار یکی از سه روش اصلی انتقال وجوه بین‌بانکی است (summers, 1994). تاکنون کشورهای مختلفی از این بستر برای توسعه تجارت، سرمایه‌گذاری و ذخیره ارزی خود استفاده کرده‌اند. کشورهای چین، ژاپن و کره جنوبی به ترتیب با «۴۲»، «۹» و «۵» پیمان پولی، کشورهای پیشرو در زمینه ایجاد بستر بانکی دوجانبه بین بانک‌های مرکزی خود با استفاده از روش حساب‌های متقابل بوده‌اند (ملایی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲).

مهم‌ترین ویژگی روش حساب‌های متقابل این است که نهاد یا کشور ثالثی بین تراکنش‌ها وجود ندارد که بخواهد محدودیت ایجاد کند. این نوع انتقال بین‌بانکی صرفاً تابع اراده سیاسی کشور مقابل است و با توجه به حجم تجارت با شرکای عمده تجاری ایران، می‌توان از این ابزار بهره‌برداری بیشتری کرد. با توجه به اینکه روش حساب متقابل بین دو کشور اجرا می‌شود، نیاز به یک بستر امن برای ارسال پیام‌های بانکی دارد. بیشتر بانک‌ها برای پیام‌رسانی مالی خود از

سوئیفت استفاده می‌کنند و این پیام‌رسان مالی مهم بین‌المللی، از سال ۲۰۰۱ تاکنون، اطلاعات تراکنش‌های بانک‌های ایرانی را در قالب برنامه رهگیری تأمین مالی تروریسم در اختیار وزارت خزانه‌داری ایالات متحده قرار داده است؛^(۱۶) بنابراین اجرای پیمان‌های پولی دوجانبه با استفاده از سوئیفت، باعث کاهش اشراف اطلاعاتی وزارت خزانه‌داری آمریکا نخواهد شد. گفتنی است ضرورت انعقاد پیمان‌های پولی دو یا چندجانبه در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و در ماده ۱۳ قانون برنامه ششم توسعه مورد تأیید قرار گرفته است. پیمان‌های پولی منعقد ایران و وضعیت اجرایی آن‌ها به شرح زیر است:

۳-۲-۱. ایران - پاکستان

نخستین پیمان پولی دوجانبه بین بانک مرکزی ایران و همتایان خارجی خود در تاریخ ۱۵ فروردین ۱۳۹۶ در سطح معاونان ارزی بانک‌های مرکزی ایران و پاکستان امضا شد.^(۱۷) بانک مرکزی پاکستان آیین‌نامه این قرارداد را در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۶ به بانک‌های تجاری این کشور ابلاغ کرد. فرم مورد استفاده برای تکمیل اطلاعات و ارسال به تهران نیز در ابلاغیه بانک مرکزی پاکستان پیش‌بینی شده است.^(۱۸)

۳-۲-۲. ایران - ترکیه

دومین پیمان پولی دوجانبه بین ایران و ترکیه در ۱۶ مهر ۱۳۹۶ در سطح رؤسای بانک مرکزی ایران و ترکیه امضا شد.^(۱۹) طبق اعلام بانک مرکزی، طرفین، اعتباری به میزان پنج میلیارد لیر ترکیه و معادل آن به ریال ایران (در اختیار بانک‌های عامل دو کشور) به یکدیگر تخصیص دادند که برای گشایش اعتبارات اسنادی به نفع تجار دو کشور با سررسید پرداخت یک‌ساله استفاده شود. در این قرارداد بانک‌های ملی ایران و زراعت بانک ترکیه به‌عنوان بانک‌های عامل انتخاب شده بودند. نخستین تراکنش این پیمان در تاریخ ۲۷ فروردین ۱۳۹۷ بین این دو بانک تجاری ثبت شد؛^(۲۰) اما مدت کوتاهی پس از نخستین تراکنش، این بستر بانکی به دلایل نامعلومی متوقف شد.

۳-۲-۳. ایران - چین

در ۱۲ آذر ۱۳۹۶، رئیس بانک مرکزی ایران در دیدار با معاون کنفرانس مشورتی سیاسی خلق چین اعلام کرد: پیمان پولی دوجانبه ریال و یوان نقش مهمی در گسترش تبادلات تجاری و بانکی بین ایران و چین خواهد داشت.^(۲۱) در این خصوص مذاکراتی با رئیس کل بانک مرکزی چین انجام شده است.^(۲۲)

۳-۲-۴. ایران - روسیه

در ۱۴ تیر ۱۳۹۷، در ششمین اجلاس گروه بانکی و مالی ایران و روسیه تفاهم‌نامه گسترش همکاری دوجانبه بین آقای «حسین یعقوبی»، معاون بین‌الملل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و آقای «دیمیتری اسکابلکین»^۱ قائم‌مقام بانک مرکزی روسیه، امضا شد. تأکید این تفاهم‌نامه بر اجرای پروژه پیام‌رسان مالی بین دو کشور، انعقاد پیمان پولی و استفاده از ظرفیت بیمه‌های اتکایی در بسته جدید همکاری‌های مالی و بانکی دو کشور است.

۳-۲-۵. ایران - اروپا

پس از خروج ایالات متحده از برجام، مذاکره ایران و اروپا با هدف تداوم منافع ایران از برجام آغاز شد. در بازه زمانی ۹ ماهه پس از خروج آمریکا از برجام تا رونمایی از سامانه «اینستکس»^۲، گره اصلی و نقطه تمرکز گفت‌وگوها، طراحی سازوکاری به منظور تداوم روابط مالی و بانکی بین ایران و اروپا بود. از همان ابتدا بحث درباره طراحی یک کانال ویژه مالی یا همان «اس‌پی‌وی»^۳ مطرح بود؛ به این معنا که پول حاصل از صادرات ایران به اروپا در آن تجمیع و از همین منابع برای واردات کالا از اروپا به مقصد ایران استفاده شود. سرانجام در ۱۱ بهمن ۱۳۹۷ از سامانه اینستکس رونمایی شد.^(۲۳) البته در حال حاضر این ابزار هنوز وارد مرحله عملیاتی نشده است. مهم‌ترین دلایل عدم ورود اینستکس به فاز اجرایی عبارت‌اند از:

1. Dmitry Scablkin

2. INSTEX

3. SPV- Special purpose vehicle

۱. اجرای عملیات مالی در اینستکس مستلزم تولید منابع مالی و تزریق آن‌ها به حساب سپرده «اس پی وی» است. پرسش مطرح این است که چنانچه صادرات نفت ایران به اروپا مجدداً آغاز نشود، منابع مالی از کجا تولید و به اس پی وی تزریق می‌شود! به عبارت روشن‌تر، اس پی وی بدون منابع مالی به‌مثابه خودرو لوکسی است که سوخت ندارد.

۲. سه کشور اروپایی از نظر سیاسی، تمایلی در ایجاد زمینه شکست پروژه فشار حداکثری ترامپ علیه ایران ندارند؛ به همین علت است که از همان ابتدا مقامات سه کشور اروپایی، معامله در قالب اینستکس را منحصر به تجارت بشردوستانه کردند و در ادامه آمریکا درباره تجارت همان کالاها نیز سنگ‌اندازی‌هایی انجام داد.

۳. تجارت با ایران در قالب اینستکس به دلیل شفافیت مراودات، بسیاری از شرکت‌ها و بانک‌های اروپایی را در معرض تحریم‌های ایالات متحده قرار می‌دهد و این امر، شرکت‌ها و بانک‌ها را نسبت به فعالیت در قالب اینستکس دلسرد می‌کند.

درباره سایر کشورها نظیر عراق^(۲۴)، آذربایجان^(۲۵) و هند^(۲۶) نیز اطلاعات کلی در رسانه‌ها مبنی بر امضای تفاهم‌نامه به چشم می‌خورد. عوامل ذیل می‌تواند مهم‌ترین موانع اجرای پیمان‌های پولی دوجانبه در شرایط فعلی باشد:

۱- عدم همگرایی سیاسی، بانکی و اطلاعاتی در مذاکرات با کشورهای عمده طرف تجارت: بانک مرکزی، وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت نیرو و وزارت نفت هر کدام به‌صورت مجزا با ترکیه مذاکره می‌کنند و تفاهمات سایر حوزه‌ها به اجرای پیمان پولی دوجانبه منوط نمی‌شود. درباره سایر کشورها نیز چنین است؛

۲- عدم جدیت بانک مرکزی و رعایت نکردن نکات فنی در قرارداد: در متن پیمان پولی، نباید قرارداد بین بانک‌های مرکزی به پول ملی بسته شود؛ چراکه در صورت افت ارزش پول‌های ملی، کشور مقابل متضرر شده و به همین دلیل وارد پیمان نمی‌شود. نکته مهم آن است که در لایه پرداخت صرفاً از پول‌های ملی

استفاده می‌شود. همچنین پیمان پولی با کشورهای دیگر نباید با استفاده از پیام‌رسان سوئیفت انجام شود؛ چراکه اطلاعات آن در اختیار وزارت خزانه‌داری آمریکا قرار می‌گیرد.

۳-۳. روابط کارگزاری

گلوگاه سوم اعمال تحریم، روابط کارگزاری در کشورهای مقصد است. در هر کشور حداقل یک بانک ایرانی با قابلیت‌های ذیل می‌تواند بخشی از انتقالات وجوه را بر عهده گیرد: ۱- قادر باشد برای اشخاص حقیقی و حقوقی کشور میزبان افتتاح حساب نماید؛ ۲- بتواند در «زیرساخت‌های انتقال حجیم کشور میزبان»^۱ به انتقال وجه بپردازد؛ ۳- توانایی برقراری ارتباط با ایران را با پیام‌رسان غیرسوئیفت داشته باشد. گفتنی است که دستیابی به این قابلیت‌ها نیازمند گفت‌وگوها و توافقات سطح بالای سیاسی است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

ایالات متحده آمریکا همواره در کنار وضع تحریم علیه کشورهای مختلف، به دنبال افزایش کارآمدی و اثربخشی آن بر اقتصادهای هدف بوده و در این زمینه راهبردهای مختلفی را به کار برده است؛ تحمیل فشار تحریمی بر اشخاص و نهادهای خصوصی و تغییر در محاسبات هزینه-فایده آن‌ها، تأکید گسترده در مقوله شناخت ذی‌نفع نهایی و افزایش قابل‌توجه ریسک تعامل با ایران، قاعده‌گذاری در جهت ممزوج‌سازی تحریم‌های هسته‌ای و غیرهسته‌ای و بالطبع عدم امکان جداسازی آن‌ها از یکدیگر، استفاده از ظرفیت پژوهشی اندیشکده‌های نزدیک به دستگاه حاکمه این کشور برای شناسایی نقاط آسیب‌پذیر ایران و سرانجام، گفت‌وگوی چهره‌به‌چهره با مسئولان و مقامات ارشد کشورهای مختلف با هدف متقاعدسازی و نشان دادن اهمیت موضوع پایبندی به تحریم‌های ایران، مهم‌ترین راهبردهای آمریکا در زمینه کارآمدسازی تحریم‌ها بوده‌اند. در مقابل، پژوهش حاضر مدعی است که مقاومت‌سازی و متنوع‌سازی ابزارهای

1. Real-Time Gross Settlement (RTGS)

نقل و انتقال و جوه در عرصه بین‌المللی، مهم‌ترین راهبرد برای مقابله غیرمستقیم با تحریم‌های آمریکا است و اجرای صحیح این راهبرد می‌تواند هوشمندی و کارآمدی تحریم‌های آمریکا (مالی و غیرمالی) را با چالش جدی مواجه کند. در این زمینه سه گلوگاه اصلی وجود دارد: ۱- پیام‌رسان مالی بین‌المللی؛ ۲- بستر بانکداری بین‌کشوری؛ ۳- روابط کارگزاری.

برای غلبه بر چالش‌های مرتبط با پیام‌رسانی مالی پیشنهادهایی نظیر به‌کارگیری پیام‌رسان‌های متمرکز دیگر غیر از سوئیفت نظیر سپام، سی‌آی‌پی‌اس چین، اس‌اف‌ام‌اس هند، اس‌پی‌اف‌سی و سایبر اف‌تی روسیه و در نهایت سامانه تارگت ۲ اتحادیه اروپا و همچنین طراحی و استفاده از سامانه پیام‌رسان توزیع‌شده ارائه می‌شود.

درباره مسئله بانکداری بین‌کشوری نیز راهکارهایی نظیر بهره‌گیری از اتاق پایاپای خصوصی و روش‌های نهاد ثالث و حساب‌های متقابل یا همان پیمان پولی دوجانبه توصیه می‌گردد. نکته قابل توجه این است که با وجود تصریح و الزام قانونی به انعقاد پیمان‌های پولی دوجانبه و استفاده از آن برای تسهیل جابه‌جایی جوه، هنوز در حوزه عملیاتی پیشرفتی در این حوزه حاصل نشده، هرچند اقداماتی در بعد نظری و قراردادی صورت گرفته است.

یادداشت‌ها

۱. وزارت خزانه‌داری آمریکا از وزارتخانه‌های اصلی در موضوع تحریم ایران است. دفتر کنترل دارایی‌های خارجی زیرمجموعه این وزارتخانه است که بر اساس اهداف و سیاست‌های خارجی ایالات متحده تحریم‌های اقتصادی و بازرگانی را علیه دولت‌ها، سازمان‌ها و افراد غیرآمریکایی اعمال می‌کند. مهم‌ترین وظایف وزارت خزانه‌داری آمریکا در حوزه تحریم معرفی شرکت‌ها، نهادها و اشخاص حقیقی و حقوقی تحریم‌شده و به‌روزرسانی مداوم این اشخاص، اطلاع‌رسانی درباره کم و کیف تحریم‌های هر کشور از طریق درج پرسش و پاسخ‌های پرتکرار در سایت، اعطای معافیت‌های تحریمی به کشورها و مجوزهای عمومی در مورد تعامل اقتصادی با کشورهای تحت تحریم در حوزه‌های خاص و سرانجام بررسی درخواست شرکت‌ها و نهادهای خارجی درباره امکان تعامل در حوزه‌های خاص با کشورهای تحریمی و ارائه مجوزهای موردی است.
۲. فینسن (FINCEN- Financial Crimes Enforcement Network) نهاد زیرمجموعه وزارت خزانه‌داری آمریکا است که وظیفه مقابله با پول‌شویی و رهگیری تراکنش‌های مالی را بر عهده دارد.
۳. شاید بتوان با یک مثال تفاوت تحریم بخشی و تحریم هوشمند را به‌خوبی توضیح داد. فرض کنید دستگاه‌های اطلاعاتی تهدیدی را مبنی بر بمب‌گذاری در یکی از خیابان‌های اصلی شهر دریافت کرده‌اند؛ برای مقابله با این تهدید دو راهکار وجود داد: ۱- بستن ابتدا تا انتهای خیابان، ممنوعیت هرگونه تردد، جلوگیری از انجام کسب‌وکار در آن خیابان و ... طبیعی است که هزینه‌های این روش بسیار زیاد است؛ از جمله افزایش ترافیک خیابان‌های هم‌جوار، اختلال در معیشت کسبه خیابان و ... ۲- استفاده از ابزارهای هوشمند در کلیه ورودی‌ها و خروجی‌های خیابان و جلوگیری از حرکت افراد و خودروهای مشکوک؛ در این روش عبور و مرور در آن خیابان ادامه می‌یابد و کسب‌وکار نیز دچار مشکل نمی‌شود. در این مثال، تحریم بخشی مشابه راهکار نخست و تحریم هوشمند مشابه راهکار دوم است.
۴. بلوکه شدن تمام دارایی‌ها در آمریکا و ممنوعیت انجام هرگونه تراکنشی روی این

- دارایی‌ها، اعم از دارایی‌هایی که در حال حاضر در آمریکا قرار دارد یا از این به بعد وارد خاک آمریکا می‌شود یا در حال حاضر یا آینده تحت مالکیت و کنترل یک شخص آمریکایی (داخل خاک آمریکا و خارج آن) قرار خواهد گرفت.
۵. تحریم ثانویه به این معنا است که اشخاص حقیقی و حقوقی آمریکایی و غیرآمریکایی نسبت به تعامل با اشخاص تحریمی منع شده‌اند؛ به عبارت دیگر، هر شخص و نهادی در هر نقطه‌ای از جهان، چنانچه بخواهد تعامل خود را با نظام مالی و اقتصادی آمریکا ادامه دهد، حق ندارد با اشخاص تحریم شده ذیل عنوان ثانویه مرادوه اقتصادی داشته باشد.
۶. منظور از تحریم اولیه آن است که اشخاص و نهادهای آمریکایی حق تعامل اقتصادی با اشخاص تحریم شده ندارند؛ به عبارت دیگر در تعامل اشخاص حقیقی و حقوقی غیرآمریکایی با اشخاص تحریم شده منعی وجود ندارد.
۷. مسائل و نهادهای مرتبط با نقض حقوق بشر در ایران به طور مفصل در قانون «TRA» آمریکا تبیین و تحریم شده‌اند.
۸. وزارت خزانه‌داری آمریکا در تاریخ ۱۹ مهر ۱۳۹۷، متنی با عنوان «گزارش مشورتی در خصوص فعالیت‌ها و تلاش‌های غیرقانونی ایران برای سوءاستفاده از نظام مالی بین‌المللی» منتشر کرد که در آن بر مقوله شناخت ذی‌نفع نهایی و ارزیابی تشدید تمرکز ویژه‌ای نموده است.
۹. افوک یا دفتر کنترل دارایی‌های خارجی، تشکیلاتی ذیل وزارت خزانه‌داری آمریکا است؛ وظایف این مجموعه عبارت است از: ۱- شناسایی و درج اشخاص و نهادهای به اصطلاح خاطی در لیست تحریم؛ ۲- به روزرسانی دستورالعمل‌ها و توصیه‌ها درباره امکان و نحوه تعامل با اشخاص و نهادهای تحریم شده؛ ۳- رصد اطلاعاتی و وضع جریمه علیه بانک‌ها و اشخاصی که به افراد مندرج در لیست اس‌دی‌ان خدمات ارائه می‌کنند.
۱۰. جهت بررسی بیشتر به لینک زیر مراجعه کنید:
- <https://www.treasury.gov/resource-center/sanctions/OFAC-Enforcement/Pages/20190920.aspx>
۱۱. برای مطالعه بیشتر نک به گزارش «تحلیل و بررسی آثار بازگشت تحریم‌های ایالات متحده: ۱. حوزه پیام‌رسان مالی» به شماره مسلسل ۱۸۰۱۵۹۵۰.
۱۲. «جامعه جهانی ارتباطات راه دور مالی بین‌بانکی» (The Society for Worldwide Interbank Financial Telecommunication) یا به اختصار «سوئیفت» (SWIFT) شبکه‌ای است که به مؤسسات مالی امکان می‌دهد اطلاعات مربوط به تراکنش‌های مالی را در محیطی امن و استاندارد تبادل کنند. سوئیفت یک شرکت تعاونی است که مالک آن نهادهای مالی عضو آن هستند و با قوانین بلژیک فعالیت می‌کند. شرکت سوئیفت هیچ‌گونه فعالیت بانکی مانند افتتاح و نگه‌داری حساب، پرداخت، پایاپای و تسویه انجام نمی‌دهد؛ بلکه مانند یک ایمیل بین‌بانکی

عمل می‌کند و به بانک‌ها و نهادهای مالی اجازه می‌دهد که از راه دور به حسابشان دسترسی داشته باشند و بستر مناسبی برای احراز هویت مشتریان از راه دور است و بانک عامل نگران احراز هویت ارسال‌کننده پیام نیست. به دلیل گستردگی و تسلط سوئیفت در حوزه ارتباطات مالی بین‌بانکی، غالب بانک‌هایی که فعالیت بانکی برون‌مرزی دارند، در شبکه سوئیفت فعال هستند و پیام‌های خود را از طریق آن با سهولت و هزینه کمتری انتقال می‌دهند.

۱۳. جهت مطالعه بیشتر نک به:

<https://home.treasury.gov/policy-issues/terrorism-and-illicit-finance/terrorist-finance-tracking-program-tftp>

14. General Secretariat of the Council of The EU, Information Note, EU-US agreement on the processing and transfer of financial messaging data for purpose of the US Terrorist Finance Tracking Programme (TFTP), Questions and Answers, Nov 2009, available at: https://www.consilium.europa.eu/uedocs/cms_data/docs/pressdata/en/jha/111559.pdf

۱۵. برای مطالعه بیشتر نک به گزارش «بررسی ضرورت و امکان انعقاد پیمان پولی دوجانبه» به شماره مسلسل ۱۳۹۶۲.

16. <https://home.treasury.gov/policy-issues/terrorism-and-illicit-finance/terrorist-finance-tracking-program-tftp>

17. pk/press/2017/Pr-IranBank-14-Apr-17.pdf

18. www.sbp.org.pk/epd/2017/FEC4-Annex.pdf

۱۹. سایت رسمی بانک مرکزی، «سوآپ دوجانبه ریال - لیر نهایی شد» مورخ ۲۷ مهر ۱۳۹۶ کد خبر ۱۶۹۷۷.

۲۰. سایت رسمی بانک مرکزی، «سوآپ ارزی ایران - ترکیه اجرایی شد / گشایش اولین اعتبار اسنادی توسط بانک ملی» مورخ ۲۷ فروردین ۱۳۹۷، کد خبر ۱۷۶۸۹.

۲۱. بخشی از صاحب نظران بر این باورند که روابط ایران با چین، اولاً راهبردی نیست ثانیاً سازگار نیست؛ راهبردی نیست به این معنا که سطح روابط این دو کشور، فرع بر روابط ایران با کشورهای اروپایی تعریف می‌شود و در نگاه بعضی از سیاست‌گذاران ایرانی، اولویت با برقراری رابطه با کشورهای اروپایی است و اگر آن رابطه به دلایلی دچار نقص شد، چرخش به سمت چین در دستور قرار می‌گیرد. خلع ید شرکت چینی CNPC از یکی از میدان‌های نفتی ایران و اعطای امتیاز آن به شرکت فرانسوی توتال در دوره برجام و در نقطه مقابل، گرایش به سمت همان شرکت پس از خروج آمریکا از برجام، شاهد مثال‌های مهمی در مورد عدم راهبردی بودن رابطه ایران و چین است. درباره سازگار نبودن روابط ایران و چین گفته می‌شود، ایران در بعضی فعالیت‌های برون‌مرزی خود برنامه‌هایی را به اجرا می‌گذارد که با سیاست‌ها و راهبردهای اقتصادی چین در

بعد بین المللی تناقض ذاتی دارد؛ همکاری مشترک با هند در بندر چابهار، یکی از مهم ترین چالش‌های استراتژی «یک پهنه - یک راه» چین است. غرض نهایی آنکه تصمیم به برقراری روابط راهبردی با چین، نیازمند تصمیمی در سطح کلان است و در صورت اتخاذ چنین تصمیمی، باید دیپلماسی اقتصادی ایران تطابق حداکثری با آن تصمیم داشته باشد (گفتنی است که نویسنده، لزوماً توصیه‌ای برای برقراری روابط راهبردی با چین ندارد، بلکه موضوع این است که اگر قرار بر ایجاد روابط راهبردی با این کشور باشد، باید برنامه‌های برون‌مرزی ایران با آن تناسب و سازگاری حداکثری داشته باشد).

۲۲. سایت رسمی بانک مرکزی، «ایران و چین در پی حذف دلار از مبادلات بانکی» مورخ ۱۲ آذر ۱۳۹۷، کد خبر ۱۷۱۷۲.

۲۳. اینستکس در حقیقت یک ابزار حسابداری است که نقش تسویه‌گری مالی مرتبط با تجارت را انجام می‌دهد؛ به طوری که دیگر نیازی به دخالت بانک‌های اروپایی در نقل و انتقال وجوه نباشد. سازوکار تسویه به این صورت است که ابتدا باید منابع مالی به صورت اعتبار در این ابزار ایجاد شود؛ این منابع به دو صورت قابل ایجاد است: ۱- صادرات کالا (به‌طور خاص نفت) از ایران به اروپا؛ ۲- انتقال از حساب موجود در کشور ثالث به ابزار مالی اروپا؛ برای مثال انتقال اعتبار موجود در حساب ایران نزد بانک کونلون چین به ابزار مالی اروپایی. در ادامه اعتبار ایجاد شده در ابزار، به شرکت‌هایی تخصیص داده می‌شود که کالا و خدمات به ایران صادر می‌کنند؛ به عبارت دیگر مهم‌ترین کارکرد این ابزار عبارت است از: دسته‌بندی و کاهش پرداختی‌های فرامرزی به داخل ایران و خارج از این کشور.

۲۴. خبرگزاری ایسنا، «جزئیات پیمان پولی ایران و عراق اعلام شد» مورخ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۷، کد خبر ۹۴۰۲۱۴۰۷۴۹۰.

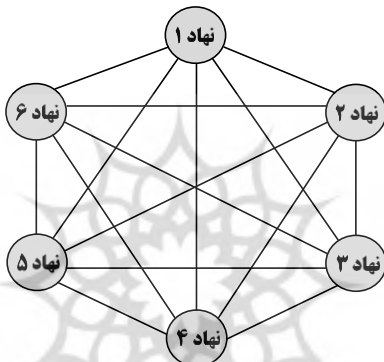
۲۵. خبرگزاری مهر، «پیگیری اجرای پیمان‌های پولی با عراق، روسیه و آذربایجان» مورخ ۱۶ تیر، ۱۳۹۷ کد خبر ۴۳۴۰۳۸۸.

۲۶. شبکه العالم، «تعیین تکلیف مبادلات پولی - مالی ایران و هند با مشخص شدن سازوکار اروپایی‌ها» مورخ ۱۵ مهر ۱۳۹۷.

وضع مجدد تحریم‌های آمریکا علیه ایران باعث شد که تعدادی از کشورهای طرف تعامل ایران، از ادامه همکاری دست بکشند؛ هند یکی از کشورهایی بود که واردات نفت از ایران را متعاقب وضع تحریم کاهش و در نهایت به صفر رساند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که این کشور تا به حال تطابق حداکثری با سیاست تحریمی ایالات متحده آمریکا داشته است. خودداری از واردات نفت ایران باعث شده است که اولاً منابع مالی جدید در آن کشور ایجاد نشود؛ ثانیاً منابع پیشین نیز رو به کاهش و اتمام باشد؛ بنابراین تداوم سیاست هند در عدم واردات نفت از ایران باعث خواهد شد که تجارت ایران و هند به شدت کاهش یابد. تمکین کشور هند به سیاست‌های تحریمی آمریکا، نه فقط در حوزه نفت، بلکه در حوزه روابط مالی و بانکی نیز جاری و ساری است.

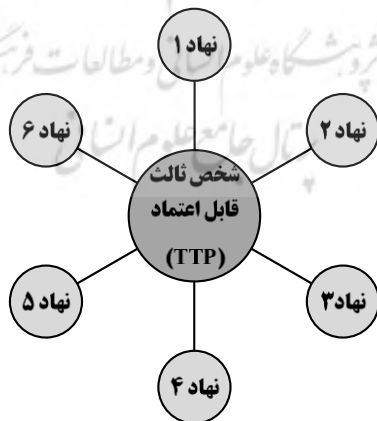
پیوست ۱. مدل سنتی سازمان دهی در مقابل سازمان دهی با فناوری زنجیره بلوک

نمودار ۲. مدل سنتی سازمان دهی



شماره ۱۰۰، دوره ۱، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۰

نمودار ۳. سازمان دهی با فناوری زنجیره بلوک



منابع

- جعفرزاده، صادق. عطار، محمد صالح (۱۳۹۷). تحلیل امکان حقوقی توسل به «مقرره مسدودسازی» توسط اتحادیه اروپا و برخی کشورها برای مقابله با تحریم‌های ایالات متحده. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تیر ۱۳۹۷، شماره مسلسل ۱۵۹۲۹.
- قوامی، سیدحسن (۱۳۹۵). ضرورت و کارکردهای پیمان‌های دو یا چندجانبه ارزی در شرایط تهدید و تحریم اقتصادی. آفاق امنیت، (۳۱)، صص ۱۳۹-۱۵۶
- علیزاده قره‌باغ، رضا (۱۳۹۳). بررسی کارکرد سوئیفت و ضرورت تقویت سیستم‌های جایگزین. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، اسفند ۱۳۹۳، شماره مسلسل ۱۴۱۹۸.
- کازرونی، علیرضا. قربانی، عادل. تقفی کلوانق، رضا (۱۳۹۴). بررسی کارایی تحریم‌های یک‌جانبه و چندجانبه بر تجارت خارجی محصولات غیرنفتی در ایران. نظریه‌های کاربردی اقتصاد، (۲) ۱، صص ۹۸-۸۳.
- گرشاسبی، علیرضا. یوسفی دیندارلو، مجتبی (۱۳۹۵). بررسی اثرات تحریم بین‌المللی بر متغیرهای کلان اقتصادی ایران. تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، (۲۵)، صص ۱۲۹-۱۸۲.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، «تحلیل و بررسی آثار بازگشت تحریم‌های ایالات متحده»: ۱. حوزه پیام‌رسان مالی شماره مسلسل ۱۸۰۱۵۹۵۰، مرداد ۱۳۹۷.
- ملایی، عبدالعظیم. جلال، محمد و عباسی، هادی (۱۳۹۶). «بررسی ضرورت و امکان انعقاد پیمان پولی دو جانبه». مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۳۹۶۲.
- ملایی، عبدالعظیم (۱۳۹۷). «ایجاد سامانه پیام‌رسان مالی بین‌المللی با استفاده از فناوری زنجیره بلوک». مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۶۱۳۲.
- سایت رسمی بانک مرکزی.
- سایت رسمی بانک ملی ایران.
- خبرگزاری ایسنا.

خبرگزاری مهر.
شبکه العالم.

- Adesnik, D. & Ghasseminejad, S. (2018). Foreign Investment in Iran: Multinational Firms' Compliance with US Sanctions. Available at SSRN 3257581.
- Anglin, V. (2015). Why Smart Sanctions Need a Smarter Enforcement Mechanism: Evaluating Recent Settlements Imposed on Sanction-Skirting Banks. *Geo. LJ*, 104, 693.
- Draca, M. Garred, J. Stickland, L. & Warrinnie, N. (2019). *On target? the incidence of sanctions across listed firms in iran* (No. 413). LICOS Discussion Paper.
- Morabito, V. (2017). *Business innovation through blockchain*. Cham: Springer International Publishing.
- Office of Foreign Assets Control, us department of treasury, " Iran-related Designations and Updates; Counter Terrorism Designations and Updates; Administrative Removals from Executive Order 13599 List " October 16, 2018.
- Office of Foreign Assets Control, us department of treasury, " Publication of New Iran-related Frequently Asked Questions; Amendments to Existing Iran-related Frequently Asked Questions; Updates to OFAC's Specially Designated Nationals and Blocked Persons List and 13599 List Removals" November 5, 2018.
- Summers, M. B. J. (Ed). (1994). *the payment system: design, management, and supervision*. International Monetary Fund.
- The Foundation for Defense of Democracies, "What "Yes" With Iran Looks Like" June 26, 2019.
- Tyler Cullis, "The Trump Administration Has Criminalized the Iranian Economy" *The Lobelog*, August 23, 2019.
- U.S. DEPARTMENT OF THE TREASURY, The Financial Crimes Enforcement Network (FinCEN) " Advisory on the Iranian Regime's Illicit and Malign Activities and Attempts to Exploit the Financial System " October 11, 2018.
- U.S. department of treasury, Executive Order 12938 of November 14, 1994. "Proliferation of Weapons of Mass Destruction".
- U.S. department of treasury, Executive Order 13224 of September 23, 2001.

“Blocking Property and Prohibiting Transactions With Persons Who Commit, Threaten To Commit, or Support Terrorism”.

U.S. department of treasury, Executive Order 13382 of June 29, 2005, “Blocking Property of Weapons of Mass Destruction Proliferators and Their Supporters”.

U.S. department of treasury, Executive Order 13553 of September 28, 2010, “Blocking Property of Certain Persons with Respect to Serious Human Rights Abuses by the Government of Iran and Taking Certain Other Actions”.

U.S. department of treasury, Executive Order 13599 of February 5, 2012, “Blocking Property of the Government of Iran and Iranian Financial Institutions”

U.S. department of treasury, Executive Order 13846 of August 6, 2018, "Reimposing Certain Sanctions with Respect to Iran ".

Zarate, J. (2013). Treasury's war: The unleashing of a new era of financial warfare. Hachette UK.

